

## ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس شفقت به دیگران ساسکس - آکسفورد The Factorial structure of Persian version of Sussex-Oxford Compassion for Others Scale

### Reihaneh Nikgoo

M.A. Student, Department Of Psychology, Faculty Of Psychology And Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

### Dr. Maryam Abbasi Soorshjani

Assistant Professor, Department Of Psychology, Faculty Of Psychology And Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

### Dr. Zahra Naghsh

Assistant Professor, Department Of Educational Psychology and Counseling, Faculty Of Psychology And Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

### Dr. Nima Ghorbani\*

Professor, Department Of Psychology, Faculty Of Psychology And Education, University Of Tehran, Tehran, Iran.

[nghorbani@ut.ac.ir](mailto:nghorbani@ut.ac.ir)

### ریحانه نیک گو

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### دکتر مریم عباسی سورشجانی

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### دکتر زهرا نقش

استادیار، گروه روانشناسی تربیتی و مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### دکتر نیما قربانی

استاد، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

### Abstract

Providing a valid scale for measuring compassion for others in Iranian society is part of the research needs. The purpose of this study was to investigate the validity and reliability of the Sussex-Oxford Compassion for Others Scale (SOCO-O) in a sample of Iranian married individuals, who lived in Iran in the second half of 1399 and the first half of 1400. 315 Iranian married people (265 females and 50 males) were selected by convenience sampling method and responded to the Sussex-Oxford Compassion for Others Scale (SOCO-O; Gu et al., 2020). Exploratory and confirmatory factor analyses were used to evaluate the construct validity. The results of exploratory factor analysis showed the four-factor structure for the scale of compassion for others in Iranian society, which differed from the main model of the scale in terms of factor and item. Confirmatory factor analysis supported the 4-factor structure and the indicators showed acceptable model fit. Cronbach's alpha of the whole scale was 0.90 and the alpha coefficients of factors were between 0.71 and 0.86, which indicates the desired internal consistency of this scale in Iranian society. The results of this study show the desired validity and reliability of the Persian version of this scale and provide a reliable tool for measuring compassion for others to experts.

**Keywords:** Exploratory factor analysis, Confirmatory factor analysis, Compassion for others, Sussex-Oxford Compassion for Others Scale

### چکیده

فراهم نمودن مقیاسی معتبر برای سنجش شفقت به دیگران در جامعه ی ایرانی جزء نیاز های پژوهشی است. هدف از انجام این پژوهش بررسی روایی و پایایی مقیاس شفقت به دیگران ساسکس - آکسفورد در نمونه ای از افراد متأهل ایرانی، که در نیمه ی دوم سال ۱۳۹۹ و نیمه ی اول سال ۱۴۰۰ در کشور ایران سکونت داشتند، بود. ۳۱۵ نفر (۲۶۵ زن و ۵۰ مرد) از این افراد متأهل ایرانی به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و به مقیاس شفقت به دیگران ساسکس - آکسفورد (SOCO-O)؛ گوو و همکاران، (۲۰۲۰) پاسخ دادند. به منظور بررسی روایی سازه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، ساختار ۴ عاملی برای مقیاس شفقت به دیگران را در جامعه ی ایرانی نشان داد، که با مدل اصلی مقیاس در سطح عامل و گویه تفاوت داشت. تحلیل عاملی تأییدی از ساختار ۴ عاملی حمایت کرد و شاخص ها نشان از برازش قابل قبول مدل داشتند. آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۹۰ و ضرایب آلفای عامل ها بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۶ بود که حاکی از همسانی درونی مطلوب این مقیاس در جامعه ی ایرانی است. نتایج این پژوهش نشان از روایی و پایایی مطلوب نسخه ی فارسی این مقیاس دارد و ابزار معتبری برای سنجش شفقت به دیگران در اختیار متخصصان قرار می دهد.

**واژه های کلیدی:** تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، شفقت به دیگران، مقیاس شفقت به دیگران ساسکس - آکسفورد

## مقدمه

روابط انسانی و کیفیت آن، حوزه ای است که در علم روانشناسی بدان توجه ویژه ای شده و در این میان اهمیت شفقت<sup>۱</sup> در بسیاری از بخش های جامعه تشخیص داده شده است. بسیاری از سنت های مذهبی جهان، شفقت را به عنوان یک فضیلت اصلی انسانی، محور نظام باور های خود قرار داده اند و همچنین نظام های حرفه ای بین المللی در آموزش، دادگستری، و مراقبت های بهداشتی نیز بر اهمیت شفقت تأکید کرده اند (دالسگارد و همکاران، ۲۰۰۵؛ استراس و همکاران، ۲۰۱۶).

در فلسفه ی بودیسم<sup>۲</sup>، شفقت به عنوان اصلی اساسی، اینگونه تعریف شده است: "کشودگی نسبت به رنج دیگران همراه با تعهد برای از بین بردن آن رنج" (دالایی لاما، ۱۹۹۵). در مفهوم پردازی شفقت در نگاه بودیسم، شفقت شامل عوامل شناختی (تشخیص و آگاهی از رنج فرد)، هیجانی (پاسخ هیجانی به آن رنج)، و رفتاری (تمایل برای اقدام جهت کاهش رنج فرد) می باشد (کانوف و همکاران، ۲۰۰۴). در روانشناسی غرب، گیلبرت (۲۰۱۰)، شفقت را از منظر تکاملی مفهوم پردازی کرده و استدلال می کند که شفقت یک ظرفیت ذاتی و سیستم انگیزشی تکامل یافته است که برای تنظیم عاطفه ی منفی طراحی شده است. او شفقت را "آگاهی عمیق از رنج دیگران همراه با آرزوی تسکین آن" تعریف کرده است (گیلبرت، ۲۰۰۹). استراس و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش مروری خود، مفهوم پردازی های مختلف از شفقت را بررسی کرده و اذعان کردند که تعریف واحد و مشترکی از شفقت وجود ندارد و در پاسخ به این خلأ، شفقت را مفهومی با پنج عامل: (۱) تشخیص رنج<sup>۳</sup>، (۲) درک جهانشمول بودن رنج<sup>۴</sup>، (۳) همدردی نسبت به شخص در حال رنج<sup>۵</sup>، (۴) تحمل احساسات ناخوشایند<sup>۶</sup>، و (۵) اقدام و یا انگیزه برای عمل در جهت تسکین رنج دیگران<sup>۷</sup>، معرفی کردند که هر کدام از این عوامل به طور جداگانه در تعاریف متعدد از شفقت لحاظ شده اند اما تعریف واحدی که هر پنج عامل را شامل شود، موجود نمی باشد.

شفقت می تواند نسبت به خود یا دیگری در حال رنج ابراز شود. پژوهش ها نشان از نقش شفقت به دیگران<sup>۸</sup> در سلامت روان فردی و روابط بین فردی دارند. برای مثال، سارین و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند که شفقت نسبت به دیگران با بهزیستی عاطفی<sup>۹</sup> و شناختی<sup>۱۰</sup> بیشتر خود فرد همراه است. پژوهش ها در مورد اهداف مشفقانه<sup>۱۱</sup> که ارتباط نزدیکی با مفهوم شفقت به دیگران دارد، نشان داده است که اهداف مشفقانه با افزایش پاسخدهی<sup>۱۲</sup> و ادراک پاسخدهی شریک عاطفی در روابط رمانتیک (کراکر و همکاران، ۲۰۱۷)؛ کاهش پاسخ های هورمونی به استرس (ابلسون و همکاران، ۲۰۱۴)؛ کاهش واکنش دفاعی در مواجهه با تعارض (نیا و همکاران، ۲۰۱۳)؛ مسئولیت پذیری نسبت به دیگران (کراکر و کانولو، ۲۰۱۰)؛ و اعتماد<sup>۱۳</sup> و نزدیکی<sup>۱۴</sup> (کراکر و کانولو، ۲۰۰۸) ارتباط مستقیم دارد.

استراس و همکاران (۲۰۱۶) علاوه بر مرور مفهوم پردازی های شفقت، پرسشنامه هایی که ابعاد شفقت ورزی شامل شفقت خود و شفقت به دیگران را می سنجند را نیز بررسی کردند. از بین پرسشنامه هایی که به سنجش مفهوم شفقت به دیگران می پردازند، می توان به مقیاس شفقت رابطه ای<sup>۱۵</sup> (هکر، ۲۰۰۸) و مقیاس شفقت (پامیر، ۲۰۱۰) اشاره کرد. اما هیچ کدام از این مقیاس ها به طور جامع ساختار شفقت را شامل نمی شود. گوو و همکاران (۲۰۲۰) در راستای رفع این خلأ و براساس مفهوم پنج عاملی شفقت استراس و همکاران (۲۰۱۶)، مقیاس شفقت ساسکس آکسفورد<sup>۱۶</sup> را که شامل دو فرم شفقت خود و شفقت به دیگران است را طراحی کرده و بر جمعیت

1. compassion
2. Buddhist philosophy
3. recognizing suffering
4. understanding the universality of suffering
5. feeling for the person suffering
6. tolerating uncomfortable feelings
7. motivation to act/acting to alleviate suffering
8. compassion for others
9. affective well-being
10. cognitive well-being
11. compassionate goals
12. responsiveness
13. trust
14. closeness
15. Relational Compassion Scale (RCS)
16. Sussex-Oxford Compassion Scale

دانشجویان و کارکنان مراقبت های بهداشتی در انگلستان اجرا کردند. در پژوهش آن ها ویژگی های روانسنجی از جمله پایایی و روایی خوبی برای این مقیاس گزارش شده و ساختار عاملی آن نیز در هر دو نمونه تأیید شده است.

در ایران پژوهش های متعددی به شفقت خود و نقش آن در سلامت جسم و روان پرداخته اند (برای مثال محمدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ مصباحی و همکاران، ۱۳۹۸). اما عدم وجود پژوهش های علمی در رابطه با شفقت به دیگران، دانش در زمینه ی شفقت و ابعاد شفقت ورزشی در این فرهنگ را محدود می سازد. حوزه های کلیدی پژوهش و تجربه ی بالینی، در صورت عدم وجود ابزاری معتبر جهت سنجش شفقت به دیگران که در جامعه ی ایرانی هنجاریابی شده باشد، مورد غفلت واقع می شود. این حوزه ها شامل بررسی دلایل و نتایج شفقت به دیگران، چگونگی ارتباط شفقت خود و شفقت به دیگران، و همچنین بررسی اینکه مداخلات روانشناختی که برای افزایش ظرفیت شفقت ورزشی افراد ایجاد شده اند، نظیر درمان مبتنی بر شفقت<sup>۱</sup> (گیلبرت، ۲۰۱۴) و برنامه ی شفقت خود بهوشیار<sup>۲</sup> (نف و گرم، ۲۰۱۳)، آیا در افزایش ظرفیت شفقت نسبت به دیگران موثر هستند یا خیر؛ می باشد. در پژوهش حاضر مقیاس شفقت به دیگران ساسکس- آکسفورد (گوو و همکاران، ۲۰۲۰) که به طور جامع مفهوم شفقت به دیگران را پوشش می دهد و روایی و پایایی خوبی دارد، برای اولین بار در ایران ترجمه شده و تحلیل عاملی و پایایی آن در فرهنگ ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی روایی و پایایی مقیاس شفقت به دیگران ساسکس- آکسفورد بود.

## روش

این پژوهش توصیفی- همبستگی و از نوع اعتباریابی آزمون بود. جامعه ی پژوهش حاضر تمام افراد متأهل ایرانی بودند که در نیمه ی دوم سال ۱۳۹۹ و نیمه ی اول سال ۱۴۰۰ در کشور ایران سکونت داشته و به فضای مجازی دسترسی داشتند. به اعتقاد هومن (۱۳۷۹) برای تحلیل عاملی، تعداد نمونه ی ۱۰۰ نفر ضعیف، ۲۰۰ نفر نسبتاً مناسب، ۳۰۰ نفر خوب، ۵۰۰ نفر خیلی خوب، ۱۰۰۰ نفر عالی می باشد. تعداد ۳۱۵ نفر که به شبکه های مجازی شامل اینستاگرام، تلگرام، و واتساپ دسترسی داشتند، به شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و به پرسشنامه ی مربوطه به صورت آنلاین پاسخ دادند. ملاک ورود در این پژوهش، تمایل به پاسخ گویی به سوالات، ملیت ایرانی، سکونت در کشور ایران، و متأهل بودن؛ و ملاک خروج، عدم پاسخگویی به تمام سوالات مقیاس شفقت به دیگران بود. با توجه به این ملاک ها، پاسخ های تمام ۳۱۵ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین افراد به طور داوطلبانه در پژوهش شرکت نموده، هیچ گونه اطلاعات هویتی از آن ها اخذ نگردیده و در خصوص پاسخ های شرکت کنندگان، اصل رازداری رعایت شد.

## ابزار سنجش

**مقیاس شفقت ساسکس آکسفورد- شفقت دیگران<sup>۳</sup> (SOCS-O):** این مقیاس در سال ۲۰۲۰ توسط گوو و همکارانش ساخته شده و بر روی دو نمونه ی کارکنان مراقبت های بهداشتی و دانشجویان در انگلستان اجرا شد. این مقیاس شامل ۲۰ پرسش و پنج خرده مقیاس: (۱) تشخیص رنج، (۲) درک جهانشمول بودن رنج، (۳) همدردی نسبت به شخص در حال رنج، (۴) تحمل احساسات ناخوشایند، (۵) اقدام و یا انگیزه برای عمل در جهت تسکین رنج دیگران است که هر کدام چهار گویه دارند. سوالات این مقیاس در طیف لیکرت ۵ تایی از ۱ *اصلاً درست نیست* تا ۵ *همیشه درست است* درجه بندی می شوند. در پژوهش آن ها (گوو و همکاران، ۲۰۲۰) مدل پنج عاملی شفقت دیگران در هر دو نمونه تأیید شده و پایایی درونی مقیاس و خرده مقیاس ها قابل قبول بوده است. آلفای کرونباخ کل مقیاس در دو نمونه ی کارکنان مراقبت ها بهداشتی و دانشجویان به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۰ و برای هر کدام از زیرمقیاس های تشخیص رنج (۰/۸۹ و ۰/۸۶)، درک جهانشمول بودن رنج (۰/۹۲ و ۰/۸۹)، همدردی نسبت به شخص در حال رنج (۰/۸۰ و ۰/۷۳)، تحمل احساسات ناخوشایند (۰/۷۴ و ۰/۶۱)، و اقدام و یا انگیزه برای عمل در جهت تسکین رنج دیگران (۰/۹۱ و ۰/۸۶) بودند. همچنین شفقت به دیگران با دلمشغولی

1. Compassion Focused Therapy

2. Mindful Self-compassion

4. Sussex-Oxford Compassion for Others Scale (SOCS-O)

## The Factorial structure of Persian version of Sussex-Oxford Compassion for Others Scale

همدلانه<sup>۱</sup> ( $r = ۰/۶۴$ ) و دیدن از نگاه دیگری<sup>۲</sup> ( $r = ۰/۵۴$ ) رابطه ی مستقیم و با تنش شخصی<sup>۳</sup> ( $r = -۰/۱۶$ ) رابطه ی معکوس داشته، که نشان دهنده ی روایی همگرا و تمییزی<sup>۴</sup> این مقیاس است.

برای ترجمه ی مقیاس، گویه ها توسط یک نفر هیئت علمی دانشگاه تهران و مسلط به زبان انگلیسی و دارای تجربه ی پژوهشی در حوزه ی موضوع مقیاس، به دقت از انگلیسی به فارسی ترجمه شدند. نسخه اصلی و نسخه بازگردانی شده مورد مقایسه قرار گرفت و اصلاحات لازم در خصوص ترجمه صورت گرفت. سپس سوالات از طریق لینک در صفحات مجازی، شامل اینستاگرام، تلگرام، و واتساپ قرار گرفت و افراد به صورت داوطلبانه به آن پاسخ دادند. برای تحلیل داده ها، روش های تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی، و همسانی درونی با استفاده از نسخه ی ۲۲ نرم افزار SPSS و نسخه ی ۲۲ نرم افزار AMOS، به کار برده شد.

## یافته ها

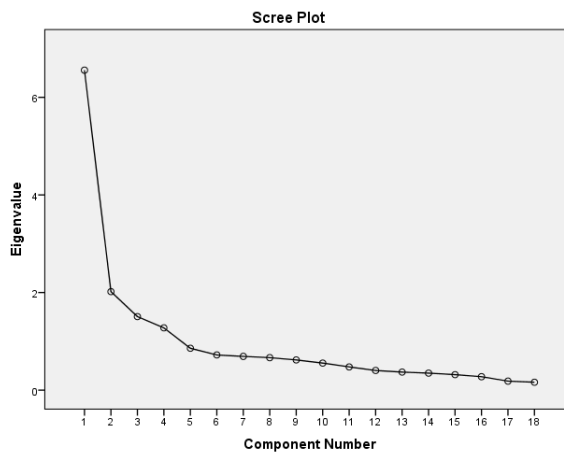
اطلاعات توصیفی جمعیت شناختی نمونه ی حاضر در این پژوهش نشان داد که میانگین سنی شرکت ۳۱ سال با انحراف استاندارد  $۷/۱۱ \pm$  بود.  $۸۴/۱\%$  شرکت کنندگان زن و  $۱۵/۹\%$  آنها مرد بودند. همچنین  $۵۵\%$  از آنان ساکن استان تهران و بقیه شرکت کنندگان از سایر استان های ایران بودند. به منظور بررسی روایی سازه مقیاس شفقت به دیگران، داده های نمونه حاضر به طور تصادفی به دو بخش تقسیم شد. بر روی نصف نمونه، تحلیل عاملی اکتشافی و بر روی نیمه دیگر تحلیل عاملی تاییدی انجام شد. جهت بررسی امکان انجام تحلیل عاملی اکتشافی، شاخص کایزر-مایر-اولکین<sup>۵</sup> (KMO) که نمونه گیری متغیرها از نظر همبستگی های دو به دو را نشان می دهد، و آزمون کرویت بارتلت<sup>۶</sup> که بررسی می کند ماتریس همبستگی متغیرها با ماتریس واحد تفاوت دارد یا خیر (هوارد<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶)، بررسی شد.

جدول ۱- آزمون کفایت نمونه برداری KMO و کرویت بارتلت

معناداری	درجه آزادی	آزمون بارتلت	آزمون کفایت نمونه برداری KMO
۰/۰۰	۱۵۳	۱۳۵۷/۰۱	۰/۸۹

بر اساس آنچه در جدول ۱ گزارش شده است، مقدار شاخص کایزر-مایر-اولکین (KMO)  $۰/۸۹$  می باشد. نقطه برش این شاخص  $۰/۶$  است و هر چه به یک نزدیکتر باشد مناسب تر است (هوارد، ۲۰۱۶). همچنین در جدول ۱ نشان داده شده است که شاخص کرویت بارتلت معنادار است. بر مبنای اعتقاد هوارد (۲۰۱۶) مطلوب است که این شاخص معنادار باشد و بر اساس آن می توان نتیجه گرفت که هر کدام از آیتم ها ضمن داشتن واریانس مشترک با دیگر عامل ها، واریانس اختصاصی قابل قبولی نیز دارند. بنابراین بر اساس این دو معیار امکان انجام تحلیل عاملی اکتشافی وجود دارد.

1. empathic concern
2. perspective taking
3. personal distress
4. convergent and discriminant validity
5. Kaiser-Meyer-Olkin
6. Bartlett's Test of Sphericity
7. Howard



شکل ۱- نمودار سنگریزه ای تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس شفقت به دیگران

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی اکتشافی مقیاس شفقت به دیگران

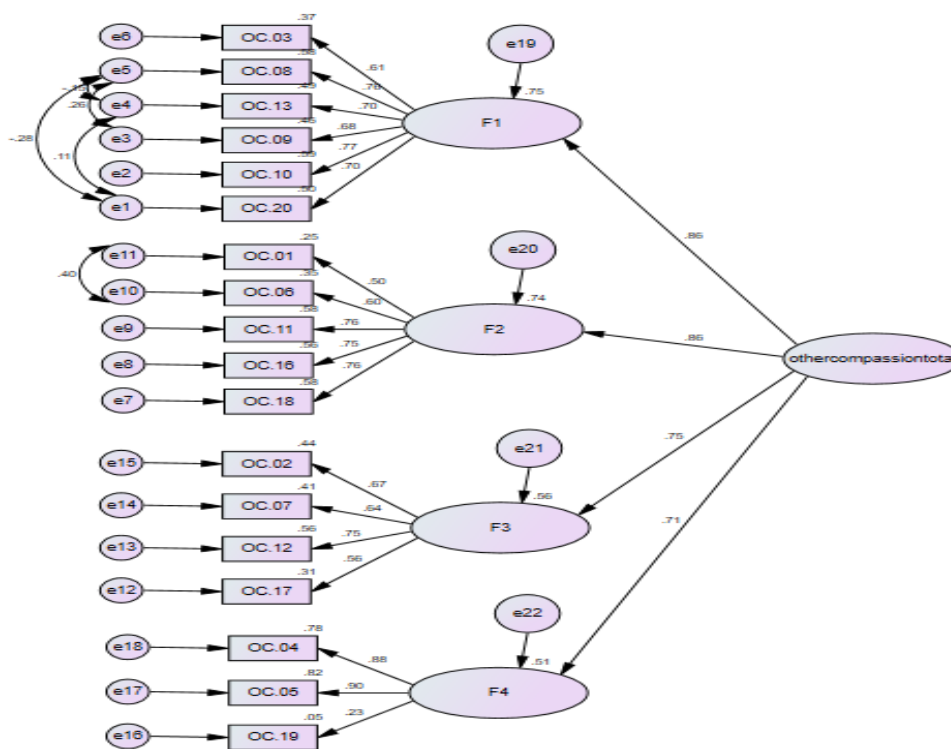
گویه	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم
۲۰- وقتی می بینم دیگران ناراحت هستند، همه ی توانم را برای مراقبت از آنها می گذارم.	۰/۷۹			
۱۰- وقتی دیگران دوران سختی را از سر می گذرانند، سعی می کنم از آنها مراقبت کنم.	۰/۷۸			
۹- وقتی دیگران ناراحت هستند با ناراحتی شان میمانم و به آن گوش میدهم حتی اگر تحمل اش سخت باشد.	۰/۷۶			
۸- وقتی می شنوم که اتفاقات بدی برای دیگران افتاده است، برای سلامتی آنها نگران می شوم.	۰/۶۹			
۱۳- وقتی دیگران ناراحت هستند، سعی می کنم خودم را با احساسی که دارند همساز کنم.	۰/۶۳			
۳- وقتی دیگران دوران سختی را از سر می گذرانند، به آنها مهر می ورزم.	۰/۶۲			
۱۶- نشانه های رنج کشیدن را در دیگران شناسایی می کنم.	۰/۸۰			
۱۸- من آشفتگی دیگران را سریع شناسایی می کنم و به آن پاسخ می دهم.	۰/۷۵			
۶- وقتی دیگران احساس آشفتگی دارند، متوجه می شوم.	۰/۷۵			
۱- وقتی دیگران حس آشفتگی دارند بدون آنکه بگویند تشخیص می دهم چه حالی دارند.	۰/۷۰			
۱۱- در پی بردن به نشانه های اولیه ی آشفتگی در دیگران سریع عمل می کنم.	۰/۶۶			
۷- درک می کنم بخشی از طبیعت بشر است که گاهی احساس ناراحتی کند.	۰/۷۶			
۱۲- می دانم که دیگران هم، درست مثل من درگیریهایی را در زندگیشان دارند.	۰/۷۶			
۲- درک می کنم که هر آدمی یک جایی از زندگی اش رنج را تجربه می کند.	۰/۷۱			
۱۷- می دانم که همه ی ما می توانیم وقتی دچار اشتباه می شویم احساس ناراحتی کنیم.	۰/۶۰			
۴- وقتی دیگران ناراحت هستند، به جای اجتناب از احساسات آنها، با احساساتشان باز و گشوده برخورد می کنم.	۰/۸۹			
۵- وقتی دیگران با مشکلاتشان درگیر هستند، به جای اجتناب از احساساتشان، سعی می کنم با احساساتی که دارند باز و گشوده برخورد کنم.	۰/۸۳			
۱۹- وقتی دیگران ناراحت هستند، می توانم برای حمایت و کمک به آنها کنارشان باشم بی آنکه در آشفتگی شان غرق شوم.	۰/۵۷			
مقدار ویژه	۶/۵۶	۲/۰۲	۱/۵۱	۱/۲۸

The Factorial structure of Persian version of Sussex-Oxford Compassion for Others Scale

۷/۰۹	۸/۳۷	۱۱/۲۱	۳۶/۴۲	واریانس تبیین شده
۶۳/۰۹	واریانس تبیین شده کل			

تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش تحلیل مولفه های اصلی<sup>۱</sup> و چرخش واریماکس<sup>۲</sup> انجام شد و تعداد عامل ها بر اساس مقدار ویژه<sup>۳</sup>، تعیین شد. گویه های ۱۴ و ۱۵ به علت قرار گرفتن در آیتم های دو عامل و داشتن بار عاملی بیشتر در مولفه ی غیر اصلی خود، حذف شدند. پس از حذف این دو گویه و انجام چرخش واریماکس و با در نظر گرفتن مقدار ویژه عامل ها؛ ساختار ۴ عاملی برای این مقیاس حاصل شد. مقدار ویژه و واریانس تبیین شده ی ۴ عامل به دست آمده در جدول ۲ گزارش شده است. همان طور که مشاهده می شود این ۴ عامل به طور تراکمی ۶۳/۰۹ درصد از واریانس را تبیین می کنند. چگونگی قرار گرفتن گویه ها در این ۴ عامل و بارهای عاملی آن ها در جدول ۲ گزارش شده است.

ساختار عاملی به دست آمده از مقیاس شفقت به دیگران در تحلیل عاملی اکتشافی، با انجام تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم بر



روی نیمه دیگر نمونه آزمون شد. شکل ۲ نشانگر نتایج تحلیل عاملی تاییدی است.

شکل ۲- نتایج تحلیل عاملی تاییدی مدل اندازه گیری مقیاس شفقت به دیگران

جدول ۳. بارهای عاملی گویه های شفقت به دیگران

شماره گویه	بار عاملی	R <sup>2</sup>	شماره گویه	بار عاملی	R <sup>2</sup>
۳	***.۰/۶۱	۳۷ %	۱۶	***.۰/۷۵	۵۶ %
۸	***.۰/۷۶	۵۸ %	۱۸	***.۰/۷۶	۵۸ %
۱۳	***.۰/۷۰	۴۹ %	۲	***.۰/۶۷	۴۴ %

1. Principal Component Analysis  
 2. Varimax  
 3. eigenvalue

۴۱ %	***۰/۶۴	۷	۴۶ %	***۰/۶۸	۹
۵۶ %	***۰/۷۵	۱۲	۵۹ %	***۰/۷۷	۱۰
۳۱ %	***۰/۵۶	۱۷	۵۰ %	***۰/۷۰	۲۰
۷۸ %	***۰/۸۸	۴	۲۵ %	***۰/۵۰	۱
۸۲ %	***۰/۹۰	۵	۳۵ %	***۰/۶۰	۶
۵ %	**۰/۲۳	۱۹	۵۸ %	***۰/۷۶	۱۱

\*\*\* p&lt; 0/001; \*\* p&lt; 0/01

مقدار پارامتر استاندارد هر گویه در مقیاس، نشان دهنده ی میزان بار عاملی آن گویه بر روی متغیر پنهان مربوطش است. چنان چه سطح معناداری هر بار عاملی، معنادار باشد (کوچکتر از ۰/۰۱) نشان می دهد که سهم آن گویه در اندازه گیری متغیر پنهان معنادار است. بارهای عاملی گویه های مقیاس شفقت به دیگران که در جدول ۳ گزارش شده است، در تمامی موارد معنادار است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمام آن ها نقش مهم و معناداری در اندازه گیری شفقت به دیگران دارند.

جدول ۴. شاخص های برازش کلی مدل اندازه گیری پرسشنامه شفقت به دیگران

شاخص	مقادیر قابل قبول	برآورد
خی دو ( $X^2$ )	$p > 0/05$	۲۴۱/۸۳
درجه آزادی (df)	-	۱۲۶
نسبت مجذور خی دو به درجه آزادی ( $X^2/df$ )	$< 3$	۱/۹۲
جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA)	$< 0/08$	۰/۰۸
شاخص نیکویی برازش (GFI)	$> 0/9$	۰/۸۶
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	$> 0/9$	۰/۸۰
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	$> 0/9$	۰/۹۰
شاخص برازش هنجار شده (NFI)	$> 0/9$	۰/۸۲
میانگین مجذور باقیمانده های استاندارد شده (SRMR)	$< 0/08$	۰/۰۷

شاخص های برازش در جدول ۴ گزارش شده است. در مورد شاخص های  $GFI^1$ ،  $AGFI^2$ ،  $CFI^3$  و  $NFI^4$  مقادیر بالای ۰/۹ نشان دهنده ی برازش قابل قبول و مقادیر بالای ۰/۹۵ نشان دهنده ی برازش عالی است.  $SRMR^5$  اگر کمتر از ۰/۰۸ باشد، قابل قبول است و بر طبق برخی منابع باید کمتر از ۰/۰۵ باشد.  $RMSEA^6$  نیز اگر کمتر از ۰/۰۶ باشد نشان دهنده ی برازش عالی است و اگر بین ۰/۰۶ و ۰/۰۸ نشان دهنده ی برازش قابل قبول مدل است. نسبت  $X^2/df$  نیز بر اساس بعضی دستورالعمل ها باید کمتر از ۳ یا ۵ باشد (شریبر و همکاران، ۲۰۰۶؛ هوپر و همکاران، ۲۰۰۸؛ هیو و بنتلر، ۱۹۹۹). با توجه به شاخص های برازش ارائه شده در جدول ۴، تحلیل عاملی تائیدی مرتبه دوم مقیاس شفقت به دیگران برازش قابل قبولی دارد. همچنین ضریب آلفای کل مقیاس (۱۸ آیتمی) برابر با ۰/۹۰ است که نشان از همسانی درونی عالی و آلفای خرده مقیاس های همدردی با رنج دیگری، تشخیص رنج، درک جهان شمول بودن رنج، و تحمل احساسات ناخوشایند به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۷۴ و ۰/۷۱ می باشد که نشان از پایایی مناسب و خوب خرده مقیاس ها دارد. بنابر اعتقاد هانزلی و مش (۲۰۰۸)،  $0/79 < \alpha < 0/70$  نشان دهنده ی همسانی درونی مناسب،  $0/89 < \alpha < 0/80$  خوب، و  $\alpha \geq 0/9$  عالی می باشد.

1. Goodness of Fit
2. Adjusted Goodness of Fit
3. Comparative Fit Index
4. Normed Fit Index
5. Standardized Root Mean Square Residual
6. Root Mean Square Error of Approximation

## بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس شفقت دیگران ساسکس- آکسفورد (گوو و همکاران، ۲۰۲۰) در جامعه‌ی ایرانی انجام شد. تحلیل عاملی اکتشافی بر روی داده‌های این پژوهش، نشان از ساختار چهار عاملی این مقیاس در جامعه‌ی ایرانی دارد. عامل اول شامل شش گویه‌ی ۳، ۸، ۹، ۱۰، ۱۳، ۲۰، با توجه به محتوای گویه‌ها، عامل همدردی با رنج دیگری؛ عامل دوم شامل پنج گویه‌ی ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۱۸، عامل تشخیص رنج؛ عامل سوم شامل چهار گویه‌ی ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، درک جهان شمول بودن رنج؛ و در آخر، عامل چهارم شامل سه گویه‌ی ۴، ۵، ۱۹، تحمل احساسات ناخوشایند نامگذاری شد. در تحلیل عاملی اکتشافی نسخه فارسی، از بین بیست گویه‌ی مقیاس اصلی، گویه‌های ۱۴ و ۱۵ حذف شده و این نسخه دارای هجده گویه است. نحوه قرارگیری گویه‌های ۱۸، ۱۰، ۹، ۵، و ۲۰ در بین عامل‌ها نسبت به مقیاس اصلی متفاوت است. در جامعه و بافت فرهنگی ایران، عامل اقدام و یا انگیزه برای عمل در جهت تسکین رنج دیگران حذف شده و تحلیل عاملی تأییدی، از ساختار ۴ عاملی مقیاس شفقت دیگران حمایت کرده و شاخص‌ها نشان از برازش قابل قبول مدل دارند؛ که با ساختار ۵ عاملی مقیاس اصلی شفقت به دیگران در جامعه‌ی انگلستان (گوو و همکاران، ۲۰۲۰) متفاوت است.

پژوهش‌ها به کرات وجود تفاوت‌های فرهنگی در شفقت را نشان داده‌اند. کارکرد‌های شفقت نظیر کاهش رنج، و ایجاد و حفظ روابط مشارکتی، می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف با توجه به مفاهیم، ارزش‌ها، هنجارها، و کارکرد‌های خاص هر فرهنگ، متفاوت باشد (گوتز و همکاران، ۲۰۱۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گرایش به شفقت و همدردی با تصور خود وابسته به یکدیگر<sup>۱</sup> و جمع‌گرایی<sup>۲</sup> رابطه‌ی مثبت دارد (دالسی و همکاران، ۲۰۰۸؛ اوچیدا و کیتایاما، ۲۰۰۱). با توجه به تفاوت‌های فرهنگی در رابطه با تصور خود وابسته به یکدیگر و جمع‌گرایی، فرهنگ‌هایی که در این دو زمینه متفاوت از یکدیگر هستند، می‌توانند تفاوت در گرایش به شفقت را موجب شوند. همچنین در مقاله‌ی مروری گوتز و همکاران (۲۰۱۰) نشان داده شده است که ارزش‌گذاری و محوری دانستن هیجانات نظیر شفقت، و ابراز بیرونی آن در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. برای مثال تفاوت‌های مهمی در خصوص قواعد فرهنگی در مورد شفقت، کمک کردن، و دریافت کمک نشان داده شده است (کیپنیس، ۲۰۰۲؛ اسمارت، ۱۹۹۹). با توجه به مطالعاتی که به آن‌ها اشاره شد و نشان از تفاوت شفقت در فرهنگ‌های گوناگون دارد، تفاوت ساختار عاملی مقیاس شفقت دیگران ساسکس- آکسفورد (۲۰۲۰) و آرایش گویه‌ها در خرده مقیاس‌ها، در ایران و انگلستان، می‌تواند با توجه به نقش فرهنگ قابل تبیین باشد. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر با ۰/۹۰ است و آلفای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۶ می‌باشد، که نشان می‌دهد این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن در جامعه‌ی ایرانی پایایی قابل قبولی دارد. این یافته با نتایج گوو و همکاران (۲۰۲۰) همسو می‌باشد.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مقیاس شفقت به دیگران ساسکس- آکسفورد (گوو و همکاران، ۲۰۲۰) در نمونه‌ی افراد متأهل ایرانی که در این پژوهش شرکت کردند، روایی و پایایی مطلوبی دارد. همچنین این نتایج، نشان از ابزاری معتبر برای سنجش شفقت به دیگران با ساختار عاملی مناسب در جامعه و فرهنگ ایران دارد که می‌تواند جهت درک گسترده تری از ابعاد شفقت ورزی، پیامدها و عوامل مؤثر در آن، مورد استفاده‌ی پژوهشگران و متخصصان ایرانی قرار گیرد. از آنجایی که در این پژوهش برای اولین بار ویژگی‌های روانسنجی این مقیاس بررسی شده است، برای اطمینان از اعتبار این مقیاس در جامعه‌ی ایرانی و ساختار عاملی به دست آمده در این پژوهش، بهتر است پژوهش‌های دیگری این مطالعه را تکرار کنند.

از محدودیت‌های این پژوهش آن است که به دلیل اجرای پژوهش در زمان پاندمی کرونا و عدم دسترسی به تعداد نمونه‌ی کافی، جمع‌آوری داده به صورت در دسترس از میان کسانی که به فضای مجازی دسترسی داشتند انجام شد، و در نتیجه افراد از استان‌های مختلف ایران در پژوهش شرکت کردند. به دلیل روش نمونه‌گیری در دسترس و همچنین جامعه‌ی گسترده، در تعمیم‌پذیری نتایج باید جانب احتیاط رعایت شود. همچنین از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر آن است که بخش اعظم نمونه از زنان تشکیل شده است، و این موضوع تعمیم‌پذیری نتایج به مردان را با محدودیت مواجه می‌کند. پیشنهاد می‌شود برای تعمیم‌پذیری بهتر این نتایج، مطالعات آتی از نمونه‌ای که به طور متعادل از زنان و مردان تشکیل شده باشد استفاده کنند. همچنین از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌

1. interdependent self-construal

2. collectivism

توان به عدم بررسی روایی همگرا و واگرا اشاره کرد. پژوهش های آتی می توانند جهت بررسی روایی همگرا و واگرا، با استفاده از این مقیاس به بررسی رابطه ی شفقت به دیگران و متغیر های مربوط به آن بپردازند.

## منابع

- محمدی، ع؛ خضری مقدم، ن؛ و تاشک، الف. (۱۴۰۰). پیش بینی شدت سردردهای میگرنی براساس اضطراب، مکانیسم های دفاعی و شفقت به خود در بیماران مبتلا به سردردهای میگرنی. *نشریه علمی رویش روان شناسی*، ۱۰(۲)، ۴۵-۵۶.
- مصباحی، م؛ رحیمی، گ؛ و ایران نژاد، الف. (۱۳۹۸). نقش میانجی شفقت خود در رابطه بین سبک های دلبستگی و خودمهارگری. *نشریه علمی رویش روان شناسی*، ۸(۱۱)، ۹-۱۸.
- هومن، ح.ع. (۱۳۷۹). *اندازه گیری های روانی و تربیتی و فن تهیه تست*. تهران: نشر سلسله.
- Abelson, J. L., Erickson, T. M., Mayer, S. E., Crocker, J., Briggs, H., Lopez-Duran, N. L., & Liberzon, I. (2014). Brief cognitive intervention can modulate neuroendocrine stress responses to the Trier Social Stress Test: Buffering effects of a compassionate goal orientation. *Psychoneuroendocrinology*, 44, 60-70.
- Canevello, A., & Crocker, J. (2010). Creating good relationships: Responsiveness, relationship quality, and interpersonal goals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99, 78-106.
- Crocker, J., & Canevello, A. (2008). Creating and undermining social support in communal relationships: The role of compassionate and self-image goals. *Journal of Personality and Social Psychology*, 95, 555-575.
- Crocker, J., Canevello, A., & Lewis, K. A. (2017). Romantic relationships in the ecosystem: Compassionate goals, non-zero-sum beliefs, and change in relationship quality. *Journal of personality and social psychology*, 112(1), 58.
- Dahlsgaard, K., Peterson, C., & Seligman, M. E. (2005). Shared virtue: The convergence of valued human strengths across culture and history. *Review of General Psychology*, 9, 203-213.
- Dalai Lama (1995). *The power of compassion*. New Delhi: HarperCollins.
- Dalsky, D., Gohm, C. L., Noguchi, K., & Shiomura, K. (2008). Mutual self-enhancement in Japan and the United States. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 39(2), 215-223.
- Gilbert, P. (2014). The origins and nature of compassion focused therapy. *British Journal of Clinical Psychology*, 53, 6-41.
- Gilbert, P. (2009). *The compassionate mind: A new approach to life's challenges* (p. 13). London: Constable and Robinson.
- Gilbert, P. (2010). *The compassionate mind*. London: Constable & Robinson Ltd.
- Goetz, J. L., Keltner, D., & Simon-Thomas, E. (2010). Compassion: an evolutionary analysis and empirical review. *Psychological bulletin*, 136(3), 351.
- Gu, J., Baer, R., Cavanagh, K., Kuyken, W., & Strauss, C. (2020). Development and psychometric properties of the Sussex-Oxford compassion scales (SOCS). *Assessment*, 27(1), 3-20.
- Hacker, T. (2008). *The relational compassion scale: Development and validation of a new self-rated scale for the assessment of self-other compassion* (Doctoral dissertation).
- Hooper, D., Coughlan, J., and Mullen, M. R. (2008), "Equation modelling: Guidelines for determining model fit", *Electronic Journal of Business Research Methods*, Vol. 6 No. 1, pp. 53-60. Doi: 10.21427/D7CF7R.
- Howard, Matt C (2016). A Review of Exploratory Factor Analysis Decisions and Overview of Current Practices: What We Are Doing and How Can We Improve?. *International Journal of Human-Computer Interaction*, Vol. 32, No. 1, pp. 51-62.
- Hu, L. T., & Bentler, P. M. (1999). Cutoff criteria for fit indexes in covariance structure analysis: Conventional criteria versus new alternatives. *Structural equation modeling: a multidisciplinary journal*, 6(1), 1-55.
- Hunsley, J., & Mash, E. J. (2008). Developing criteria for evidence-based assessment: An introduction to assessments that work. *A guide to assessments that work*, 3-14.
- Kanov, J. M., Maitlis, S., Worline, M. C., Dutton, J. E., Frost, P. J., & Lilius, J. M. (2004). Compassion in Organizational Life. *American Behavioral Scientist* 47(6), 808-827.
- Kipnis, A. (2002). Social connections in China: Institutions, culture, and the changing nature of guanxi.
- Neff, K. D. (2003). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. *Self and Identity*, 2(2), 85-101.
- Neff, K. D., & Germer, C. K. (2013). A pilot study and randomized controlled trial of the mindful self-compassion program. *Journal of Clinical Psychology*, 69, 28-44.
- Niiya, Y., Crocker, J., & Mischkowski, D. (2013). Compassionate and self-image goals in the United States and Japan. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 44(3), 389-405.
- Pommier, E. A. (2010). The compassion scale (Order No. 3445994). (Available from ProQuest Dissertations & Theses Global. (855633530)).
- Saarinen, A. I., Keltikangas-Järvinen, L., Pulkki-Råback, L., Cloninger, C. R., Elovainio, M., Lehtimäki, T., ... & Hintsanen, M. (2020). The relationship of dispositional compassion with well-being: a study with a 15-year prospective follow-up. *The Journal of Positive Psychology*, 15(6), 806-820.

## The Factorial structure of Persian version of Sussex-Oxford Compassion for Others Scale

Schreiber, J. B., Stage, F. K., King, J., Nora, A., and Barlow, E. A. (2006), "Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review", *The Journal of Educational Research*, Vol. 99 No. 6, pp. 323-337.

Smart, A., Bell, S., & Coleman, S. (1999). The anthropology of friendship.

Strauss, C., Taylor, B. L., Gu, J., Kuyken, W., Baer, R., Jones, F., & Cavanagh, K. (2016). What is compassion and how can we measure it? A review of definitions and measures. *Clinical Psychology Review*, 47, 15-27.

Uchida, Y., & Kitayama, S. (2001). Development and validation of a sympathy scale. *Japanese Journal of Psychology*.

## پیوست

## نسخه فارسی مقیاس شفقت به دیگران ساسکس-آکسفورد

دستورالعمل: عبارات زیر می‌تواند توصیف کننده نحوه‌ی برقراری ارتباط شما با دیگر افراد باشد. لطفا مشخص کنید عبارات زیر تا چه حد درباره شما درست هستند و برای این کار از مقیاس پنج درجه ای زیر استفاده کنید. نکته: عبارات زیر حاوی اصطلاحات کلی هستند (مانند، "ناراحتی"، "آشفتگی"، "رنجوری"، "در تقلا بودن") که برای پوشش دادن دامنه‌ای از هیجانات ناخوشایند، مانند غم، ترس، خشم، ناکامی، احساس گناه، شرم، و غیره استفاده می‌شوند.

سوال	هرگز درست نیست	به ندرت درست است	گاهی درست است	اغلب درست است	همیشه درست است
۱. وقتی دیگران حس آشفتگی دارند بدون آنکه بگویند تشخیص می‌دهم چه حالی دارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۲. درک می‌کنم که هر آدمی یک جایی از زندگی‌اش رنج را تجربه می‌کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۳. وقتی دیگران دوران سختی را از سر می‌گذرانند، به آنها مهربمی‌ورزم.	۱	۲	۳	۴	۵
۴. وقتی دیگران ناراحت هستند، به جای اجتناب از احساسات آنها، با احساساتشان باز و گشوده برخورد می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۵. وقتی دیگران با مشکلاتشان درگیر هستند، به جای اجتناب از احساساتشان، سعی می‌کنم با احساساتی که دارند باز و گشوده برخورد کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۶. وقتی دیگران احساس آشفتگی دارند، متوجه می‌شوم.	۱	۲	۳	۴	۵
۷. درک می‌کنم بخشی از طبیعت بشر است که گاهی احساس ناراحتی کند.	۱	۲	۳	۴	۵
۸. وقتی می‌شنوم که اتفاقات بدی برای دیگران افتاده است، برای سلامتی آنها نگران می‌شوم.	۱	۲	۳	۴	۵
۹. وقتی دیگران ناراحت هستند با ناراحتی‌شان می‌مانم و به آن گوش می‌دهم حتی اگر تحمل‌اش سخت باشد.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۰. وقتی دیگران دوران سختی را از سر می‌گذرانند، سعی می‌کنم از آنها مراقبت کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۱. در پی بردن به نشانه‌های اولیه‌ی آشفتگی در دیگران سریع عمل می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۲. می‌دانم که دیگران هم، درست مثل من درگیری‌هایی در زندگی‌شان دارند.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۳. وقتی دیگران ناراحت هستند، سعی می‌کنم خودم را با احساسی که دارند هم‌ساز کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۴. بدون آنکه دیگران را قضاوت کنم با رنجی که می‌کشند ارتباط برقرار می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۵. وقتی دیگران را نیازمند می‌بایم، هر قدر توان دارم به آنها کمک می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵
۱۶. نشانه‌های رنج کشیدن را در دیگران شناسایی می‌کنم.	۱	۲	۳	۴	۵

۵	۴	۳	۲	۱	۱۷. می دانم که همه‌ی ما می توانیم وقتی دچار اشتباه می شویم احساس ناراحتی کنیم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸. من آشفتگی دیگران را سریع شناسایی می کنم و به آن پاسخ می دهم.
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹. وقتی دیگران ناراحت هستند، می توانم برای حمایت و کمک به آنها کنارشان باشم بی-آنکه در آشفتگی شان غرق شوم.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰. وقتی می بینم دیگران ناراحت هستند، همه‌ی توانم را برای مراقبت از آنها می گذارم.

## The Factorial structure of Persian version of Sussex-Oxford Compassion for Others Scale